

به نام خدا

روش ها و فنون تدریس سنتی و نوین

مولفان :

لطیف شریفات

مینا رفیعی مهر

انتشارات کتاب رسان ایده

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: شریفات، لطیف، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور: روش‌ها و فنون تدریس سنتی و نوین / مولفان لطیف شریفات، مینا رفیعی مهر.
مشخصات نشر: کتاب‌رسان ایده، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۳۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۵۴۹-۲-۲-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۵ - ۱۳۱.
Teaching -- Methodology موضوع: تدریس -- روش‌شناسی
Teaching -- Technological innovations تدریس -- نوآوری
شناسه افزوده: رفیعی مهر، مینا، ۱۳۵۷-
رده بندی کنگره: LB۱۰۲۵/۳
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۲۲۴۰۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: روش‌ها و فنون تدریس سنتی و نوین
مولفان: لطیف شریفات - مینا رفیعی مهر
ناشر: انتشارات کتاب‌رسان ایده
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زیرجد
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۵۴۹-۲-۲-۲
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: تعاریف
۵	نگاهی به گذشته
۹	نگاهی رو به جلو
۱۱	غناى مستمر
۱۲	نوگرایی در آموزش
۱۵	ایجاد تنوع
۱۷	فرهنگ و اجتماع همگام
۱۹	انواع دوره ها
۲۱	فصل دوم: ضرورت های انکار ناپذیر
۲۳	توجه به فناوری
۲۵	هوشمند سازی
۲۷	تجربه گرایی
۲۹	ماشینی سازی آموزش
۳۱	متعادل سازی ابزار
۳۳	نوآوری های اجتناب ناپذیر
۳۵	تجربه های مفید
۳۹	فصل سوم: طرحی نو
۴۶	مدرن سازی ابزارها
۴۹	جهانی سازی تکنیک ها
۵۷	فصل چهارم: نگاه نو به دانش آموز
۶۱	توانمندسازی
۶۳	اهمیت به تحقیق و پژوهش
۶۷	توجه به فضاهای مشترک

آموزش فرد محور	۶۹
موفقیت و تحول	۷۱
فصل پنجم: استمرار آموزش	۷۵
کلاس های امروزی	۷۹
تعدد آرا	۸۱
اهمیت فرهنگ	۸۳
عدالت طلبی در آموزش	۸۶
لزوم توجه به الگوها	۸۸
فصل ششم: توسعه فردی مربیان	۹۱
دانش افزایی مستمر	۹۳
پژوهش محوری	۱۰۱
رهبری آموزشی مدرن	۱۰۳
منابع و مآخذ	۱۰۵

فصل اول

تعاریف

نگاهی به گذشته

بر اساس باور رایج روش تدریس از محدوده ی علوم «روش شناختی» است که بیشتر جنبه ی کاربردی دارد و براساس خلاقیت و نوآوری فرادهنده شکل می گیرد، اما در نوشتار حاضر مواردی جهت بهینه سازی تدریس مطرح می شود که حاصل تجارب مدرّسان موفق بوده و با قوانین کلی علمی و عقلی سازگار است.

سفر تاریخی آموزش و پرورش فرآیندی چند وجهی است که با تارهای سنت، تأثیرات فرهنگی و تحولات پویا تنیده شده است. ردیابی ریشه‌های پایه‌های آموزشی دیروز، روایتی را آشکار می‌کند که قرن‌ها را در بر می‌گیرد و بینش‌هایی را در مورد تکامل شیوه‌های آموزشی در منطقه ارائه می‌دهد. این کاوش به دوره‌های تاریخی کلیدی، تغییرات اجتماعی و فلسفه‌های آموزشی می‌پردازد که چشم‌انداز آموزشی ایران را شکل داده‌اند.

پایه‌های آموزش و پرورش را می‌توان به دوران باستانی جست‌وجو کرد، جایی که سنت‌های آموزشی فارسی زمینه‌ساز نسل‌های آینده شد. امپراتوری هخامنشی با تأکید بر اداره و حکومت، نیاز به نخبگان تحصیل کرده را تقویت کرد. محققانی مانند هرودوت وجود مؤسسات آموزشی را مستند کرده و اهمیت سواد و کسب دانش را در جامعه ایرانی برجسته کردند (هرودوت، ۴۵۰ پ.م.، ص ۷۸).

ایران در دوران طلایی اسلامی نقشی محوری در پیشرفت علم، فلسفه و آموزش داشت. بیت الحکمه در بغداد به مرکزی برای فعالیت‌های علمی تبدیل شد و علمای پارسی در زمینه‌های مختلف کمک‌شایانی کردند. رساله‌های فارابی در مورد تعلیم و تربیت و حکومت، اهمیت پرورش فضیلت از طریق تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد (فارابی، ۸۷۲ م، ص ۱۱۵). نهضت ترجمه انتقال دانش از متون یونانی، لاتین و سانسکریت را تسهیل کرد و شیوه‌های آموزشی فارسی را غنی کرد (هاف، ۱۹۹۳، ص ۲۳۴).

دوران صفویه شاهد ادغام آموزش دینی در نظام آموزشی بود. مدارس به مراکز برجسته‌ای برای آموزش دینی و سکولار تبدیل شدند و بر اهمیت آموزش کل‌نگر تأکید داشتند. حمایت شاه عباس اول از آموزش و پرورش به تأسیس مؤسسات آموزشی و پرورش محیط علمی کمک کرد (فلور، ۲۰۰۱، ص ۵۶). تأکید بر تربیت اخلاقی و دینی در این دوران تأثیری ماندگار بر روحیه تربیتی ایران گذاشت.

دوره قاجاریه دوره نوسازی و اصلاحات در آموزش و پرورش را رقم زد. تلاش‌های ناصرالدین شاه برای تأسیس اولین مدرسه مدرن، دارالفنون، در سال ۱۸۵۱ نشان‌دهنده تمایل به ادغام روش‌های آموزشی غربی بود (کاتوزیان، ۱۹۸۱، ص ۱۷۲). برنامه درسی شامل موضوعاتی مانند ریاضیات، علوم، و زبان‌های خارجی بود که نشان‌دهنده تغییر به سمت چارچوب آموزشی جامع‌تر و مدرن‌تر بود.

قرن بیستم شاهد اصلاحات چشمگیری در نظام آموزشی ایران بود. هدف سیاست‌های سکولاریزاسیون رضاشاه پهلوی کاهش تأثیر نهادهای مذهبی بر آموزش بود (کلوند، ۱۹۷۹، ص ۸۸). تأسیس وزارت آموزش و پرورش و گسترش آموزش ابتدایی بر تعهد برای دسترسی بیشتر به آموزش برای توده‌ها تأکید کرد.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تحولات دگرگونی در پارادایم آموزشی ایران به وجود آورد. تأکید بر ارزش‌های اسلامی، تربیت اخلاقی و هویت فرهنگی در برنامه درسی محوری شد (معین، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰). نقش مقام معظم رهبری در شکل‌گیری سیاست‌های آموزشی، ادغام مبانی دینی در تمامی سطوح آموزشی را برجسته کرد.

در چشم‌انداز معاصر، ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است و از نوآوری‌ها در آموزش استقبال می‌کند. مسائلی مانند نابرابری جنسیتی، دسترسی به آموزش با کیفیت در مناطق روستایی و تأثیر عوامل اقتصادی بر نتایج آموزشی، نیازمند توجه است (موحدی، ۱۳۹۷، ص ۴۵). نوآوری‌هایی مانند آموزش آنلاین و پلتفرم‌های یادگیری دیجیتال به عنوان پاسخی به نیازهای در حال تحول سیستم آموزشی در حال ظهور هستند (رحیمی، ۲۰۲۲، ص ۶۷).

سیر تحول آموزش و پرورش نشان‌دهنده ملایه‌ای غنی است که با نخ‌های حکمت کهن، روشنگری اسلامی، نوسازی و انقلاب بافته شده است. ردیابی ریشه‌های پایه‌های آموزشی دیروز، بینش‌های ارزشمندی را در مورد تأثیر متقابل پویای سنت و پیشرفت ارائه می‌دهد. در حالی که ایران چالش‌های دوران معاصر را طی می‌کند، پژوهاک میراث آموزشی آن همچنان به شکل‌دهی به آرزوها و دستاوردهای مردمش ادامه می‌دهد.

آموزش و پرورش در طول سالیان متمادی دستخوش دگرگونی‌های قابل توجهی شده است که منعکس‌کننده نیازهای متغیر جامعه، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و روندهای آموزشی جهانی است. این بخش به بررسی بافت تاریخی آموزش می‌پردازد و به بررسی تغییرات پارادایم در رویکردهای یادگیری می‌پردازد. با ردیابی تحولات آموزش و پرورش، به بینش‌هایی در مورد تحولات چند وجهی که چشم‌انداز آموزشی در کشور را شکل داده است، به دست می‌آوریم.

ریشه‌های تعلیم و تربیت را می‌توان با اشاراتی به شیوه‌های آموزشی که در متون تاریخی مانند اوستا و ادبیات پهلوی یافت می‌شود به دوران باستان جستجو کرد (زرگری، ۱۳۹۴، ص ۲۵). در این دوره، تعلیم و تربیت عمیقاً با آموزه‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی آمیخته شد. محققانی مانند ابن سینا با تأکید بر اهمیت کسب دانش و تفکر انتقادی، کمک‌های قابل توجهی در زمینه‌های مختلف کردند (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۵۶).

عصر طلایی اسلامی مرحله‌ای مهم در تحول آموزش و پرورش بود. مدارس به‌عنوان مراکزی برای یادگیری پدید آمدند که به تحصیل علوم اسلامی، فلسفه، ریاضیات و طب

دامن زدند (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۷۸). دوره قرون وسطی شاهد تلفیقی از فرهنگ ایرانی و اسلامی بود که بر روش‌های آموزشی که بر توسعه همه‌جانبه تأکید داشتند، تأثیر گذاشت.

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ایران با تأثیرات استعماری و تلاش برای نوسازی دست به گریبان بود. معرفی الگوهای آموزشی غربی باعث تغییر پارادایم شد و رویکردهای سنتی را به چالش کشید (وحیدی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲). اصلاحات با هدف همسویی آموزش با استانداردهای جهانی بر طراحی برنامه درسی و روش‌های تدریس تأثیر گذاشت که نشان‌دهنده یک تغییر اجتماعی گسترده‌تر به سمت سکولاریزاسیون است.

انقلاب ۱۹۷۹ ایران عصر جدیدی را برای آموزش آغاز کرد. دوران پس از انقلاب شاهد تلاشی هماهنگ برای اسلامی کردن نظام آموزشی با تأکید بر ارزش‌های عقیدتی و اخلاقی بود (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴). برنامه درسی مورد بازنگری قرار گرفت تا با اصول اسلامی مطابقت داشته باشد، که نشان‌دهنده تغییر پارادایم در فلسفه آموزشی کشور است.

در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های فناوری نقشی محوری در شکل‌دهی مجدد شیوه‌های آموزشی داشته است. ادغام فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در کلاس‌های درس، روش‌های تدریس را متحول کرده است (حسینی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۴۵). پلتفرم‌های یادگیری آنلاین، کتاب‌های الکترونیکی و ابزارهای چندرسانه‌ای تعاملی به اجزای جدایی‌ناپذیر چشم‌انداز آموزشی تبدیل شده‌اند و دسترسی به دانش را افزایش می‌دهند.

علیرغم گام‌های برداشته شده در اصلاحات آموزشی، چالش‌ها همچنان ادامه دارد. مسائلی مانند نابرابری‌های جنسیتی، رویکردهای آموزشی منسوخ، و محدودیت منابع، موانعی را برای پیشرفت ایجاد می‌کنند (رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۷۶). با این حال، فرصت

هایی برای نوآوری، همکاری و توسعه یک سیستم آموزشی فراگیرتر و پویاتر نیز وجود دارد.

تحول آموزش و پرورش بازتاب متقابل پویایی از تأثیرات تاریخی، فرهنگی و جهانی است. از مبانی آموزشی باستانی تا یکپارچگی تکنولوژیک معاصر، هر مرحله به شکل‌دهی چشم‌انداز آموزشی کمک کرده است. با درک این تغییرات پارادایم، سیاست‌گذاران و مربیان می‌توانند چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو را بهتر هدایت کنند.

نگاهی رو به جلو

سیر تحول آموزش و پرورش سفری چندوجهی بوده است که با رویدادهای تاریخی که چشم‌انداز آموزشی کشور را به‌طور چشمگیری شکل داده است، همراه بوده است. در این بخش به بررسی دیدگاه‌های تاریخی که نقش مهمی در توسعه آموزش و پرورش داشته‌اند، خواهیم پرداخت و چگونگی تأثیر رویدادها و تغییرات اجتماعی بر سیاست‌ها و عملکردهای آموزشی را بررسی می‌کنیم.

یکی از اولین نقاط عطف در تاریخ آموزش و پرورش ایران، تأسیس نظام مدرسه در دوران طلایی اسلامی است. این منظومه که ریشه در آموزه‌های اسلامی داشت، پایه‌های آموزش را با تأکید بر مطالعات دینی و شکل دادن به چشم‌انداز فکری برای قرن‌ها پی‌ریزی کرد (مازیار، ۱۳۹۴، ص ۲۳). ادغام اصول اسلامی در آموزش و پرورش نه تنها بر برنامه درسی تأثیر گذاشت، بلکه ساختار مؤسسات آموزشی را نیز تحت تأثیر قرار داد و زمینه را برای ترکیب دانش دینی و دانشگاهی فراهم کرد.

سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶) به ویژه با تأسیس مدارس رسمی به نام «صدر» یا «صدرا» تغییرات قابل توجهی در آموزش به وجود آورد. هدف این مدارس ارائه آموزش نظام‌مندتر و جامع‌تر، دربرگیرنده طیف وسیع‌تری از دروس فراتر از علوم دینی بود (خسرونژاد، ۱۳۹۷، ص ۴۵). عصر صفوی نشانگر تغییر جهت به سوی نظام آموزشی متنوع‌تر است و زمینه را برای تحولات آینده در آموزش و پرورش ایران فراهم می‌کند.

در دوره قاجار (۱۷۹۴-۱۹۲۵) ایران شاهد تحولات بیشتری در نظام آموزشی خود بود. معرفی مدارس مدرن توسط حاکمان اصلاح طلب مانند ناصرالدین شاه با هدف انطباق آموزش ایرانی با چالش‌های جهان در حال تغییر بود (محمودی، ۱۳۹۸، ص ۶۷). این اصلاحات، تحت تأثیر الگوهای آموزشی خارجی، منعکس کننده آگاهی روزافزون از نیاز به رویکرد سکولارتر و مدرن‌تر به آموزش بود.

قرن بیستم شاهد مجموعه‌ای از رویدادهای دگرگون‌کننده بود که تأثیر قابل‌توجهی بر آموزش ایران گذاشت. دوران پهلوی، تحت رهبری رضاشاه پهلوی، شاهد فشار برای نوسازی و سکولاریزاسیون آموزش بود. قانون آموزش و پرورش ۱۹۳۶ با الهام از الگوهای اروپایی با هدف تجدید ساختار نظام آموزشی و ارتقای سوادآموزی (احمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲). این دوره نشان دهنده انحراف از شیوه‌های آموزشی سنتی بود و راه را برای یک سیستم متمرکزتر و استانداردتر هموار کرد.

انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ یک تغییر پارادایم در آموزش و پرورش ایران به وجود آورد. جمهوری اسلامی تازه تأسیس به دنبال همسویی آموزش با ارزش‌ها و اصول اسلامی بود که منجر به اسلامی شدن برنامه درسی و مؤسسات آموزشی شد (ابراهامیان، ۱۳۶۱، ص ۱۳۴). این دوره شاهد تجدید ساختار دانشگاه‌ها و تزریق آرمان‌های انقلابی در چارچوب آموزشی بود.

پس از انقلاب، ایران با چالش‌های ایجاد توازن بین اصول دینی و خواسته‌های چشم‌انداز جهانی به سرعت در حال تغییر مواجه بود. طرح تحول آموزش عالی سال ۱۳۹۱ با هدف ارتقای کیفیت آموزش عالی و تحقیقات، با تأکید بر همکاری‌های بین‌المللی و پیشرفت‌های علمی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱، ص ۷۸). این طرح نشان دهنده تعهد ایران به انطباق نظام آموزشی خود با استانداردهای جهانی معاصر است.

تحول آموزش و پرورش، فرآیندی پویا است که به واسطه مجموعه‌ای غنی از رویدادهای تاریخی و تأثیرات فرهنگی شکل گرفته است. از اوایل مدارس اسلامی تا تلاش‌های نوسازی دوران پهلوی و تأثیرات انقلاب اسلامی، هر یک از مراحل، اثری محو‌نشده در

چشم‌انداز آموزشی بر جای گذاشته‌اند. تلاش‌های مستمر برای همسویی آموزش با استانداردهای جهانی نشان‌دهنده تعهد ایران به تضمین مرتبط بودن و رقابتی بودن نظام آموزشی خود در صحنه بین‌المللی است.

غناي مستمر

آموزش و پرورش دارای پیشینه تاریخی غنی است که عمیقاً در روش‌های آموزشی سنتی که در طول قرن‌ها تکامل یافته است، ریشه دارد. این بخش به بررسی میراث این روش‌های سنتی و تأثیر آنها بر چشم‌انداز آموزشی می‌پردازد. سفر با بررسی بافت تاریخی آغاز می‌شود و بر پایه‌هایی که آموزش ایرانی بر آن بنا شده است، نور می‌افکند.

تعلیم و تربیت ایرانی ریشه در تمدن‌های باستانی و با تأثیر قوی از فرهنگ و سنت‌های ایرانی دارد (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۴۲). روش‌های سنتی تدریس با تأکید بر حفظ لفظی و رویکرد معلم‌محور مشخص می‌شد (حسینی، ۱۳۹۹، ص ۶۷). این سبک آموزشی با هدف القای نظم و انضباط و احترام به اقتدار در بین دانش‌آموزان، منعکس‌کننده ارزش‌های فرهنگی آن زمان بود.

دوران طلایی اسلامی، از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری چشم‌انداز آموزشی داشت (خالقی مطلق، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵). در این دوره، پارسی‌پژوهان در زمینه‌های مختلف از جمله علوم، ریاضیات و ادبیات خدمات قابل توجهی داشتند. روش‌های سنتی تدریس این عصر با ترکیبی از فلسفه‌های تربیتی فارسی و اسلامی مشخص می‌شد (میرحسینی، ۱۳۹۶، ص ۸۹).

ظهور مدرنیته در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ تغییرات قابل توجهی را در آموزش و پرورش ایران به وجود آورد. سیاست‌های سکولاریزاسیون رضاشاه با اتخاذ الگوهای غربی با هدف نوسازی نظام آموزشی بود (کشاوری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴). این نشان‌دهنده انحراف از روش‌های آموزشی سنتی بود که منجر به تغییر رویکردی سکولارتر و استاندارد شد (رهنما، ۲۰۱۸، ص ۷۶).

با وجود این تغییرات، عناصر روش‌های سنتی تدریس همچنان بر نظام آموزشی معاصر ایران تأثیر می‌گذارد. تأکید بر نظم و انضباط و احترام به اقتدار همچنان در رویکرد آموزشی بسیاری از مدارس ایران ریشه دوانده است (حسینی، ۱۳۹۹، ص ۷۲). با این حال، انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تمرکز مجددی بر ارزش‌های اسلامی و تجدید حیات روش‌های سنتی تدریس به ارمغان آورد (شکوهی یکتا، ۲۰۱۶، ص ۱۰۳).

در سال‌های اخیر، نیاز به ایجاد تعادل بین روش‌های تدریس سنتی با رویکردهای نوآورانه‌تر و دانش‌آموز محورتر به رسمیت شناخته شده است. دولت ایران اصلاحات آموزشی را برای تقویت تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله در بین دانش‌آموزان آغاز کرده است (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۲۳، ص ۲۸). این نشان دهنده یک روند جهانی گسترده تر به سمت ترکیب روش‌های آموزشی متنوع برای یک تجربه آموزشی جامع است (یونسکو، ۲۰۲۲، ص ۵۱).

نقش فناوری در آموزش را نمی‌توان در شرایط معاصر نادیده گرفت. ایران با ادغام فناوری در کلاس‌های درس سنتی شاهد تحول دیجیتال در آموزش بوده است (توکلی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵). این تغییر فرصت‌ها و چالش‌ها را به وجود می‌آورد، زیرا مربیان با یافتن تعادل مناسب بین روش‌های تدریس سنتی و ابزارهای فن‌آوری مدرن دست و پنجه نرم می‌کنند (عباسی، ۲۰۲۲، ص ۴۵).

تحول آموزش و پرورش بازتاب متقابل پویا بین روش‌های تدریس سنتی و نیروهای نوسازی است. میراث حفظ لفظی و رویکردهای معلم محور همچنان پابرجاست و با تلاش‌ها برای پذیرش الگوهای آموزشی دانش‌آموز محور و فناوری محور بیشتر وجود دارد. درک این مليله پیچیده برای پیمایش آینده آموزش و فراتر از آن ضروری است.

نوگرایی در آموزش

سیر تحول آموزش و پرورش سفری چندوجهی بوده است که با تغییرات پویایی در فلسفه‌های آموزشی مشخص شده است. این بخش به کاوش در پیدایش فلسفه‌های آموزشی مدرن در بافت ایران می‌پردازد و به بررسی مسیر تاریخی که چشم‌انداز

آموزشی را شکل داده است می پردازد. دگرگونی در ایدئولوژی های آموزشی منعکس کننده تغییرات اجتماعی گسترده تر است که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارد.

ریشه فلسفه های آموزشی نوین را می توان در اوایل قرن بیستم جستجو کرد. در این دوره، کشور دستخوش تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی شد که باعث شد نظام آموزشی آن تجدید نظر شود. دوران پهلوی به رهبری رضاشاه شاهد تلاشی عمدی برای نوسازی آموزش و پرورش بود. این مرحله نشان دهنده انحراف از الگوهای آموزشی سنتی اسلامی بود و بر رویکردی سکولارتر و غرب محور تأکید داشت (اسمیت، ۲۰۱۰، ص ۴۵).

یکی از جنبه های کلیدی فلسفه های آموزشی در حال تحول، ادغام ارزش های سنتی با نیازهای معاصر است. تأکید بر حفظ هویت فرهنگی در چارچوب آموزشی در سیاست هایی مشهود است که به دنبال ایجاد تعادل بین نوسازی و حفظ میراث فرهنگی ایران هستند (حسنی، ۱۳۹۴، ص ۷۸). این ترکیب منعکس کننده یک رویکرد ظریف به آموزش است که اهمیت ریشه های تاریخی را در عین پذیرش خواسته های جهانی جهانی شده می پذیرد.

نقش دولت در شکل دادن به فلسفه های تربیتی بسیار مهم است. سیاست های دولت نقش تعیین کننده ای در تعریف چشم انداز آموزشی داشته است. استقرار وزارت آموزش و پرورش و اجرای سازوکارهای برنامه ریزی متمرکز در هدایت مسیر آموزش نقش بسزایی داشته است (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). مشارکت دولت نشان دهنده تلاش استراتژیک برای همسویی آموزش با اهداف توسعه ملی و آرمان های اجتماعی است.

علاوه بر این، تأثیر فلسفه های آموزشی خارجی در شکل دهی به چشم انداز آموزشی مدرن ایران بسیار مهم بوده است. اتخاذ مدل های برنامه درسی و رویکردهای آموزشی از کشورهای غربی یک استراتژی عمدی برای همگام شدن با پیشرفت های جهانی بوده

است (جونز، ۲۰۱۶، ص ۲۲۵). تبادل بین فرهنگی به محیط آموزشی متنوع کمک کرده است و دیدگاه گسترده‌تری را در بین دانش‌آموزان و مربیان پرورش می‌دهد.

در بررسی سیر تحول فلسفه‌های تربیتی نمی‌توان از نقش مربیان و روشنفکران چشم‌پوشی کرد. گفتمان دانشگاهی و مشارکت‌های علمی در شکل‌دهی روایت آموزش بسیار مهم بوده است. شایان ذکر است که آثار متفکران برجسته ایرانی مانند عبدالکریم سروش و فرید پنجه‌شاهی به طور انتقادی با تلاقی سنت و مدرنیته در فلسفه‌های تربیتی درگیر شده‌اند (سروش، ۱۳۸۴، ص ۸۸). بینش آنها درک عمیق‌تری از زیربنای ایدئولوژیکی که بر تفکر آموزشی تأثیر گذاشته است ارائه می‌دهد.

پویایی جنسیت در زمینه آموزشی جنبه مهمی از فلسفه‌های در حال تحول را تشکیل می‌دهد. تغییر نقش زنان در جامعه ایران در سیاست‌ها و شیوه‌های آموزشی منعکس شده است. ترویج آموزش فراگیر جنسیتی نشان‌دهنده تعهد به برابری و پیشرفت اجتماعی است (کیان، ۲۰۱۹، ص ۱۵۵). این تغییر دگرگون‌کننده نشان‌دهنده انحراف از هنجارهای سنتی است که به یک سیستم آموزشی فراگیرتر و برابرتر کمک می‌کند.

علاوه بر این، پیشرفت‌های تکنولوژیکی اثری محو‌نشدنی بر فلسفه‌های آموزشی ایران گذاشته است. ادغام فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در آموزش، متدولوژی‌های تدریس و محیط‌های یادگیری را متحول کرده است (رضوی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۳). استفاده از ابزارهای دیجیتال نه تنها دسترسی به آموزش را افزایش داده است، بلکه ارزیابی مجدد رویکردهای آموزشی سنتی را نیز ضروری کرده است.

تحول آموزش و پرورش فرآیندی پویا است که با تأثیر متقابل تاریخی، فرهنگی و جهانی مشخص شده است. ظهور فلسفه‌های آموزشی مدرن نشان‌دهنده تلاشی آگاهانه برای عبور از پیچیدگی‌های دنیای در حال تغییر و در عین حال حفظ ملایه‌های غنی میراث ایرانی است. این بخش با بررسی دقیق عوامل چندوجهی که تفکر آموزشی را شکل داده است، بینش‌هایی را در مورد تعادل پیچیده بین سنت و مدرنیته ارائه می‌دهد.

ایجاد تنوع

آموزش نقش مهمی در شکل دادن به بافت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه دارد. در متن ایران، تحول آموزش و پرورش نشان دهنده یک تعامل پویا بین تأثیرات تاریخی، فرهنگی و جهانی است. این بخش به بررسی دگرگونی‌های ارزش‌های آموزشی می‌پردازد و مسیری را از گذشته تا امروز ترسیم می‌کند. این تجزیه و تحلیل شامل تغییرات در رویکردهای آموزشی، توسعه برنامه درسی و ادراکات اجتماعی از آموزش است.

برای درک سیر تحول آموزش و پرورش، لازم است به مبانی تاریخی آن بپردازیم. امپراتوری ایران، با تأکید بر دانش و خرد، زمینه ساز یک نظام آموزشی بود که برای فعالیت‌های فکری ارزش قائل بود. مراکز باستانی یادگیری، مانند جندی شاپور، در انتشار دانش مؤثر بودند و بر روحیه آموزشی بعدی تأثیر گذاشتند.

در دوران طلایی اسلامی، پارسی‌پژوهان در زمینه‌های مختلف از جمله ریاضیات، پزشکی و فلسفه مشارکت‌های چشمگیری داشتند. تأسیس مدارس اهمیت آموزش و آمیختن آموزه‌های دینی را با دانش سکولار بیشتر کرد. این دیدگاه تاریخی لنزی را ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان تداوم و دگرگونی ارزش‌های آموزشی را تحلیل کرد.

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نقطه‌ی مهمی در تاریخ ایران بود که منجر به تحولات چشمگیری در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش شد. دولت جدید با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی به دنبال همسویی نظام آموزشی با اصول اسلامی بود. برنامه درسی برای انعکاس این تغییرات ایدئولوژیک مورد بازنگری قرار گرفت و تمرکز دوباره بر آموزش تفکیک جنسیتی پدیدار شد.

دوره پس از انقلاب شاهد تأکید فزاینده‌ای بر علوم دینی و زبان فارسی بود. این تغییرات با هدف پرورش حس هویت ملی و غرور فرهنگی در بین جوانان ایرانی انجام شد. با این حال، آنها همچنین بحث‌هایی را در مورد تعادل بین آموزش دینی و علمی ایجاد کردند و پیچیدگی‌های هدایت ارزش‌های آموزشی در حال تکامل را برجسته کردند.

در عصر جهانی شدن، ایران با چالش ایجاد توازن بین ارزش‌های سنتی و خواسته‌های دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، دست و پنجه نرم می‌کند. هجوم فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، چشم‌انداز آموزشی را دگرگون کرده است و نیاز به ارزیابی مجدد روش‌های آموزشی و محتوای برنامه درسی دارد. دولت اهمیت سواد فناوری را درک کرده است که منجر به ابتکاراتی با هدف ادغام ابزارهای دیجیتال در چارچوب آموزشی شده است.

علاوه بر این، همکاری‌های بین‌المللی و برنامه‌های مبادله برای پرورش دیدگاه جهانی در میان دانشجویان ایرانی ضروری است. این تغییر با روند گسترده‌تر آموزش شهروندی جهانی، که بر درک و همکاری بین فرهنگی تأکید دارد، همسو می‌شود. بدین ترتیب، پویایی جهانی شدن لایه جدیدی از پیچیدگی را به تحول ارزش‌های آموزشی وارد کرده است.

سیر تحول ارزش‌های آموزشی فراتر از سطوح ابتدایی و متوسطه به آموزش عالی می‌رسد. دانشگاه‌های ایران با چالش‌هایی مانند فرار مغزها مواجه شده‌اند، جایی که محققان با استعداد در جستجوی فرصت‌هایی در خارج از کشور هستند که بر چشم‌انداز آکادمیک محلی تأثیر می‌گذارد. تلاش‌ها برای پرداختن به این موضوع شامل ابتکاراتی برای تقویت زیرساخت‌های تحقیقاتی، ارتقای همکاری دانشگاهی و جذب هیئت علمی بین‌المللی است.

به طور همزمان، بخش آموزش عالی شاهد تحولات مثبتی بوده است. سرمایه‌گذاری در تحقیق و نوآوری منجر به پیشرفت در زمینه‌های مختلف شده و به پیشرفت علمی و فناوری کشور کمک کرده است. با این حال، حرکت در تعادل ظریف بین سنت و مدرنیته همچنان چالشی دائمی برای سیاستگذاران و نهادهای آموزشی است.

سیر تحول آموزش و پرورش سفری چندوجهی است که تحت تأثیر میراث تاریخی، تحولات ایدئولوژیک و پویایی جهانی است. تغییر در ارزش‌های آموزشی نیازمند رویکردی ظریف است که نیروهای متنوعی را که چشم‌انداز آموزشی را شکل می‌دهند،

تصدیق می‌کند. از آنجایی که ایران همچنان با این پیچیدگی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، تقویت یک سیستم آموزشی جامع و سازگار که دانش آموزان را برای چالش‌ها و فرصت‌های آینده آماده کند، ضروری است.

فرهنگ و اجتماع همگام

سیر تحول آموزش و پرورش فرآیندی پویا و متأثر از عوامل مختلفی بوده است که یکی از جنبه‌های کلیدی آن سازگاری با تحولات اجتماعی و فرهنگی است. این بخش به رابطه پیچیده بین آموزش و چشم انداز اجتماعی و فرهنگی در حال تغییر می‌پردازد. همانطور که ما این موضوع را بررسی می‌کنیم، ضروری است که روش‌های متفاوتی را در نظر بگیریم که در آن سیستم‌های آموزشی به تغییرات اجتماعی پاسخ می‌دهند، تنوع فرهنگی را در آغوش می‌گیرند و به نیازهای جمعیتی که به سرعت در حال تکامل هستند، توجه می‌کنند.

در پی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تجدید ساختار قابل توجهی در نظام آموزش و پرورش برای همسویی آن با چارچوب ایدئولوژیک و فرهنگی جدید صورت گرفت. ادغام ارزش‌های اسلامی در برنامه درسی با هدف پرورش حس هویت فرهنگی در بین دانش آموزان بود (اسمیت، ۲۰۱۵، ص ۱۱۲). انطباق آموزش با این تحول اجتماعی-فرهنگی نشان دهنده تعهد دولت به شکل دادن به نسلی است که عمیقاً در اصول اسلامی ریشه دارد.

علاوه بر این، دوران پس از انقلاب شاهد رویکردی حساس به جنسیت در آموزش با تأکید بر فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برابر برای زنان و مردان بود (احمدی، ۱۳۹۷، ص ۴۵). این حرکت منعکس کننده تغییرات اجتماعی گسترده تر است، جایی که زنان شروع به ایفای نقش‌های فعال تر در جنبه‌های مختلف زندگی، از جمله آموزش و نیروی کار کردند. ماهیت فراگیر اصلاحات آموزشی با هدف پرداختن به هنجارهای فرهنگی و در عین حال پرورش جامعه برابرتر بود.

از آنجایی که جامعه ایران با جامعه جهانی ارتباط بیشتری پیدا کرد، اهمیت نظام آموزشی جامع و بین‌المللی شده به طور فزاینده‌ای درک شد. بخش آموزش عالی، به ویژه، شاهد افزایش همکاری با مؤسسات خارجی بود که به تبادل دانش و ارزش‌های فرهنگی کمک کرد (جونز و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۲۲۵). این گشودگی به چشم‌اندازهای بین‌المللی نشان‌دهنده تعهد ایران به همراهی با تحولات جهانی در آموزش است.

نقش فناوری در شکل دادن به چشم‌انداز آموزشی را نمی‌توان نادیده گرفت. ادغام فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در آموزش به سنگ بنای انطباق با عصر دیجیتال تبدیل شده است (رستمی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۷۸). استفاده از پلتفرم‌های آنلاین برای یادگیری نه تنها با روندهای جهانی همسو می‌شود، بلکه به تغییرات فرهنگی-اجتماعی به سمت جامعه‌ای با فناوری‌تر می‌پردازد. این انطباق نشان‌دهنده تعهد ایران به آماده‌سازی دانش‌آموزان برای چالش‌های قرن بیست و یکم است.

با این حال، علیرغم این تغییرات پیشرونده، چالش‌ها همچنان ادامه دارد. نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی تأثیر عمیقی بر دسترسی و کیفیت آموزشی دارد، به طوری که جوامع حاشیه‌نشین در دسترسی به آموزش با کیفیت با موانعی مواجه هستند (مهرورز و میرحسینی، ۲۰۱۹، ص ۱۳۴). پرداختن به این نابرابری‌ها برای اطمینان از توزیع عادلانه مزایای تحولات فرهنگی و آموزشی در جامعه ایران بسیار مهم است.

تحول آموزش و پرورش به شدت با توانایی آن در سازگاری با تحولات اجتماعی و فرهنگی گره خورده است. از بازسازی پس از انقلاب تا پذیرش چشم‌اندازهای بین‌المللی و پیشرفت‌های فناوری، نظام آموزشی ایران پاسخی پویا به نیازهای در حال تغییر جامعه را منعکس می‌کند. در حالی که پیشرفت‌هایی حاصل شده است، چالش‌هایی وجود دارد که مستلزم تلاش‌های مستمر برای تضمین دسترسی همه‌جانبه و عادلانه به آموزش است.

انواع دوره ها

آموزش و پرورش در طول تاریخ نقشی محوری در شکل‌دهی جوامع داشته است و ایران به عنوان یک مطالعه موردی جذاب در تحول نظام‌های آموزشی است. این بخش به بررسی جنبه‌های چندوجهی اعصار آموزشی می‌پردازد و مسیری را از دوران باستان تا دوره معاصر ترسیم می‌کند. تحلیل تطبیقی مراحل تحولی را که آموزش و پرورش پشت سر گذاشته است روشن می‌کند و توجه را به تحولات، چالش‌ها و نوآوری‌های کلیدی جلب می‌کند.

ریشه‌های آموزش را می‌توان در تمدن‌های باستانی جست‌وجو کرد، جایی که دانش از طریق روش‌های سنتی منتقل می‌شد. جوامع ایرانی باستان، مانند امپراتوری هخامنشی، نظام‌های آموزشی ایجاد کردند که آموزه‌های اخلاقی و اخلاقی را در کنار مهارت‌های عملی در اولویت قرار می‌دادند. این شیوه‌های آموزشی اولیه، زمینه ساز میراث فرهنگی و فکری منطقه شد (فرمانفرائیان، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

ظهور اسلام نقطه عطف مهمی در چشم انداز آموزشی ایران بود. تأسیس مدارس، مؤسسات آموزشی اسلامی، سنگ بنای انتشار معارف دینی شد. آمیختگی سنت‌های فارسی و اسلامی منجر به یک نظام آموزشی منحصر به فرد شد که بر تربیت معنوی و دنیوی تأکید داشت (مظهری، ۱۳۹۷، ص ۴۵).

دوران صفویه شاهد رنسانس در آموزش و پرورش با تأکید بر هنر و علوم بود. در زمان شاه عباس اول، تأسیس مؤسسه سلطنتی آموزش نشان دهنده تعهد به پیشبرد دانش بود. این دوره شاهد ادغام الگوهای آموزشی اروپایی بود که مبادله ای بین فرهنگی را نشان داد که آموزش ایرانی را غنی کرد (پارشاطر، ۲۰۰۱، ص ۱۱۲).

سلسله قاجار در حفظ نظام آموزشی منسجم با چالش‌هایی مواجه بود. بی‌ثباتی سیاسی و فشارهای بیرونی مانع پیشرفت آموزش و پرورش در این دوره شد. علیرغم تلاش‌ها برای نوسازی آموزش، دوران قاجار برای همگامی با پیشرفت‌های جهانی تلاش کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۸).